



مرحله سوم
در مسیر



درس هشتم

پایه‌های استوار

بخشی از برنامه‌های یک انسان مسلمان، تلاش برای ساختن جامعه‌ای با معیارهای اسلامی است. از این رو لازم است ابتدا معیارهای یک جامعه اسلامی را که قرآن کریم، پیامبر اکرم و امامان بزرگوار (صلوات‌الله علیهم) به ما معرفی کرده‌اند، بشناسیم و برای تحقق هرچه بهتر آنها در جامعه، برنامه ریزی و تلاش کنیم.

بنابراین، در این درس می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که: جامعه و تمدن مورد نظر اسلام دارای چه ویژگی‌هایی است؟

..... مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ
..... وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
..... وَعَمِلَ صَالِحًا
..... فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
..... وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
..... وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
بقره، ۶۲

..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
..... أَطِيعُوا اللَّهَ
..... وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
..... وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ
نساء، ۵۹

بنابراین به دعوت پرداز
و همان گونه که مأموریت یافته‌ای، ایستادگی کن
و از هوس‌های آنان بیروی مکن
و بگو ایمان آوردم
به هر کتابی که خدا نازل کرده است
و مأمور شدم میان شما با عدالت عمل کنم
خدا پروردگار ما و پروردگار شماست
فَلِذٰلِكَ فَاذَعُ
وَاسْتَقِمَّ كَمَا اُمِرْتُ
وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ
وَ قُلْ ءَاْمَنْتُ
بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتَابٍ
وَ اُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُمْ
اللّٰهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ ...
شوری، ۱۵

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي
الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ
زمر، ۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
وَ الَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
فتح، ۲۹

بگو چه کسی حرام کرده زیورهایی را
که خدا برای بندگانش پدید آورده
و روزی های پاکیزه را
بگو این ها برای کسانی است که ایمان دارند
در زندگی دنیا
و روز قیامت خاص آنان می باشد
این گونه آیات را به روشنی بیان می کنیم
برای کسانی که می دانند

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ،
وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ
قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
اعراف، ۳۲

بگو پروردگارم تنها زشت کاری ها
را حرام کرده است
چه آشکار و چه پنهان

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ

و گناه و تجاوز به ناحق را
و اینکه چیزی را شریک خدا سازید
که دلیلی برای آن نازل نکرده
و اینکه به خدا نسبت دهید
چیزی را که نمی دانید

وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ
وَأَنْ تَشْرِكُوا بِاللَّهِ
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ

اعراف، ۳۳

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

وَمِنْ آيَاتِهِ
أَنَّ خَلَقَ لَكُمْ
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ
مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

روم، ۲۱

.....
در آیات شریفه درس تفکر کنید و با تکمیل جملات، مهم ترین «معیارهای جامعه و تمدن اسلامی» را به دست آورید:
معیار اول: جامعه و تمدن اسلامی بر پایه اعتقاد و ایمان بنا می شود. و با در مراتب مختلف آن مبارزه می کند. / آیه
معیار دوم: مردم در جامعه اسلامی به حقیقت ایمان دارند و اعمال و رفتار خود در دنیا را برای رسیدن به سعادت تنظیم می کنند. / آیه



معیار سوم: مسلمانان، در برنامه‌های فردی و اجتماعی خود تابع فرمان‌های و می‌باشند و عمل نمی‌کنند. سوره / آیه

معیار چهارم: در جامعه اسلامی، جایگاه ممتازی دارد و کانون رشد انسان‌های با فضیلت و محل و رحمت می‌باشد. سوره / آیه

معیار پنجم: مردم جامعه اسلامی با مؤمنان، که جبهه حق را تشکیل می‌دهند، هستند و با ستمگران و دشمنان حق که جبهه باطل را می‌سازند، می‌ورزند. سوره / آیه

معیار ششم: مردم جامعه اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می‌کنند، البته این نعمت را در جهت فساد و گناه سوره / آیه

معیار هفتم: در جامعه و تمدن اسلامی تعقل و خردورزی یک ارزش بزرگ محسوب می‌شود و احترام و منزلت والایی دارند. سوره / آیه

معیار هشتم: تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قوانین بر پایه عدل صورت می‌گیرد و با به شدت مبارزه می‌شود. سوره / آیه

.....

تلاش و جهاد در جهت معیارها

پانزده قرن از فرود آمدن پیامبر مکرم اسلام ﷺ، در یک سپیده دم ماندگار، از فراز کوه حرا، می‌گذرد. صبح یکی از روزهای آغازین بعثت، یحیی بن عقیف، میهمان عباس - عموی پیامبر - بود و مشغول نظاره کعبه. «ناگاه چهره‌ای شاداب را دیدم که به پهنه آسمان چشم دوخته است. اندکی بعد، سوی کعبه به حرکت درآمد و کنار آن ایستاد.» یحیی ادامه ماجرا را این گونه نقل می‌کند: «پس از زمانی کوتاه، پسری پیش آمد و در سمت راست او قرار گرفت. سپس بانویی از راه رسید و پشت سرشان ایستاد. دیدم که آن دو به پیروی آن مرد، تعظیم کردند، برخاستند و به سجده افتادند.

گفتم: ای عباس، این کاری است عجیب و شگفت.

گفت: آری، کاری است شگفت. و ادامه داد: آن مرد را می‌شناسی؟

جواب دادم: نه، نمی‌شناسم.

- نامش محمد است، پسر عبدالله بن عبدالمطلب و برادرزاده من. پرسید: می‌دانی آن نوجوان

کیست؟

پاسخ دادم : نه.

- نامش علی است، و پسر ابوطالب. آن زن را چطور؟ او را می شناسی؟

این بار نیز پاسخ منفی بود.

- او خدیجه است، دختر خُوَیله، همسر برادرزاده ام.

برادرزاده ام محمد با من چنین گفته است : «پروردگار من - که پروردگار آسمان و زمین هموست -

مرا فرمان داده چنین کنم (و نماز بگزارم).» به خداوند سوگند که امروز از کران تا کران این سرزمین

پهناور، هیچ کس را جز این سه تن نمی شناسم که بر این آیین باشد.^۱

کمتر از نیم قرن، پس از این حادثه، نام این پیام آور بزرگ، سرزمین های اطراف مکه را در نوردید،

قلب ها را تسخیر خود کرد و بر سر زبان های بخش عظیمی از مردم متمدن آن زمان، جاری گشت. و یک

قرن بعد، که این گرامی ترین نام، از فراز مناره های مساجد شهرهای بزرگ آسیایی و آفریقایی و اروپایی به

گوش قلب های مردم جهان رسید و آنها را به هیجان آورد، تمدنی عظیم و باشکوه را رقم زد؛ تمدن اسلامی.

گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان ها و تحوّل بنیادین در شیوه

زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا ﷺ این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز و با کمک

یاران صمیمی خود در مدینه، پایه های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد :

۱- در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه کوه صفا ایستاد و این گونه ندا

سر داد :

ای مردم بگوئید معبودی جز «الله» نیست، تا رستگار شوید.

بدین ترتیب مبارزه با شرک، آغاز شد و محور رسالت رسول خدا ﷺ قرار گرفت.

معیار شماره
.....

۲- پیامبر اکرم ﷺ در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان ها را از محدوده تنگ دنیا فراتر

برد، منکرین را با استدلال های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون

معیار شماره
.....

آن به مبارزه برخاست.

۳- رسول خدا ﷺ آمده بود تا مردم را از حکومت و ولایت طاغوت و ستمگران نجات

دهد و نظامی اجتماعی بر پایه قوانین الهی بنا کند، به طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای

دستورات خداوند تنظیم شود و فرمانی جز فرمان خداوند و کسی که خداوند تعیین کرده است،

معیار شماره
.....

اطاعت نگردد.

۴- از دیگر برنامه‌های مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تبیین جایگاه خانواده، به‌عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌های با فضیلت، حافظ عفاف و پاکدامنی، و مانع اصلی فساد و نابسامانی‌های اجتماعی بود. احیای منزلت زن و ارزش‌های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به‌شمار می‌رفت. در آن عصر زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می‌شد و از کمترین حقوق، از جمله حق مالکیت برخوردار نبود و تولد دختر در خانواده سرافکنندگی آن خانواده را به دنبال داشت. در شرایطی که زن صرفاً به ابزاری برای هوس‌رانی‌های جنسی مرد تبدیل شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد.

با گرویدن مردم به اسلام، زن منزلت انسانی خود را کسب کرد و استقلال مالی به‌دست آورد؛ حضور زن در جامعه با عفاف و پاکدامنی توأم شد، رابطه زناشویی به محیط خانواده اختصاص یافت و استفاده ابزاری از زن ملغی گردید تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودت گردد و محیط جامعه از فساد و بی‌بندوباری محفوظ بماند و حریم عفاف و عزت زن حفظ شود. معیار شمارهٔ.....

۵- از اقدامات مهم رسول خدا صلی الله علیه و آله ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحوّل در روابط بین ملت‌ها گردید. تا پیش از آن، پادشاهان، رؤسای قبایل، اشراف و بزرگان، معمولاً روابط خود با دیگران را بیشتر براساس منافع مادی، زیر سلطه درآوردن قبایل و سرزمین‌های یکدیگر تنظیم می‌کردند و مردم را در جهت همین اهداف سوق می‌دادند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله این صف‌بندی‌ها و جبهه‌گیری‌ها را مردود اعلام کرد و آموخت که دو جبهه‌ای که واقعاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، جبهه حق و جبهه باطل است. جبهه حق، جبهه یکتاپرستی، عدالت‌خواهی، کرامت‌های اخلاقی و در یک کلام، ولایت الهی است. مؤمنان ولایت الهی را پذیرفته و فرمانبردار خداوند هستند. جبهه باطل، جبهه مشرکان، ستمگران، مفسدان و به تعبیر دیگر، ولایت طاغوت و شیطان است.

بنابراین موضع‌گیری، رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسلمانان می‌خواهد که با هم کیشان خود در سراسر جهان پیوند برادری برقرار کنند و مانند اعضای یک خانواده از یکدیگر دفاع نمایند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کنند و یار ستم‌دیدگان و مستضعفان باشند. معیار شمارهٔ.....

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله، تلاش می‌نمود انسان‌هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به‌عنوان هدف اصلی زندگی، برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند. افرادی که هم از زیبایی‌های جهان آفرینش و نعمت‌های خداوند بهره‌بردار صحیح را می‌برند و هم با بندگی و راز و نیاز با خداوند متعال و پایبندی به اخلاق، خود را برای تقرب الهی و رستگاری جاودانه آماده می‌سازند.

انسان‌هایی که در عین توجه به معنویت و اخلاق، از جامعه کناره‌گیری نمی‌کنند و برای عزت و آسایش مردم می‌کوشند و این را نیز وسیله‌ای جهت رستگاری خود قرار می‌دهند.

بنابراین، جامعه اسلامی نه تنها با اخلاق‌ترین و معنوی‌ترین جامعه، بلکه باید آبادترین جامعه نیز باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله افرادی را که به گوشه‌عبادتگاهی پناه می‌بردند و از مردم کناره‌گیری کرده، به زندگی خود و خانواده بی‌توجه بودند، سخت مورد نکوهش قرار می‌داد و آنها را از خود نمی‌دانست. از طرف دیگر، افرادی را نیز که فقط به لذت‌های دنیایی سرگرم بودند یا فقط به جمع ثروت و کسب قدرت می‌پرداختند هواپرستانی می‌شمرد که به لذت اندک دنیا بسنده کرده و از لذات معنوی جاوید آخرت بازمانده‌اند.

معیار شماره

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت خود را در جامعه‌ای آغاز کرد که نشانه‌هایی بسیار اندک از تعقل

و تفکر و دانایی در آن یافت می‌شد. زندگی‌شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود.

شعر می‌سرودند، اما برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت. برای آمدن باران

آتش می‌افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می‌زدند تا شتر دیگری که

مریض است بهبود یابد. اگر گاو ماده آب نمی‌خورد، گاو نر را می‌زدند تا دیو پنهان

شده در شاخ‌های او خارج شود. گفته‌اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که

خواندن و نوشتن می‌دانستند. نبی اسلام صلی الله علیه و آله آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و

مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا

نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره‌ی دانش و آموختن بود.^۱

دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر و خردورزی در جای‌جای این کتاب آسمانی مشاهده

می‌شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و

تشویق‌های دائمی رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف دیگر، سدّ جاهلیت و خرافه‌گرایی را شکست و یکی از

جاهل‌ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت. در حالی که در بزرگترین کشور متمدن آن

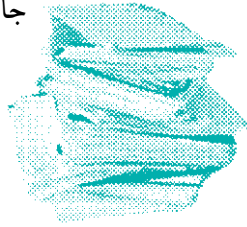
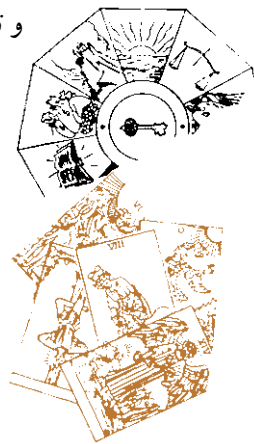
روز، ایران، فقط بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها همه را

دعوت به علم‌آموزی کرد، بلکه فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است.»

معیار شماره

۸- آن حضرت تلاش کرد جامعه‌ای عدالت‌محور برپا نماید به طوری که در آن

مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همه‌ی انسان‌ها فراهم باشد، نه اینکه نعمت‌ها





* از میان معیارهای هشت‌گانه، معیارهای اول، هفتم و هشتم را با یکدیگر مقایسه کنید و توضیح دهید که اگر جامعه‌ای فقط به دنبال تحقق یکی از آنها باشد و به دو ویژگی دیگر توجه نکند، چه مشکلاتی پدید می‌آید؟

معیار هفتم، بدون معیارهای اول و هشتم	معیار هشتم، بدون معیارهای اول و هفتم	معیار اول، بدون معیارهای هفتم و هشتم



درس نهم

برنامه‌ای برای فردا

در درس قبل با معیارهای جامعه و تمدن متعالی اسلام آشنا شدیم و دانستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شکل گرفتن چنین جامعه‌ای تلاش کرد و مسلمانان را نیز به تلاش در این راه دعوت فرمود. جامعه جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز بر اساس همین

معیارها پدید خواهد آمد.

اکنون با این سؤال روبرو هستیم که :

هرکدام از ما چگونه برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم جامعه خود را به معیارهای یک جامعه متعالی اسلامی هرچه بیشتر نزدیک نماییم و زمینه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و تشکیل جامعه جهانی توحیدی را فراهم سازیم؟



وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ
 أُمَّةً وَسَطًا
 لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
 وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا .
 بقره، ۱۴۳

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ
 رَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا
 فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ
 هُمْ الْغَالِبُونَ
 مائده، ۵۶

وَقَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ
 اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ
 وَاصْبِرُوا
 إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ
 يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
 اعراف، ۱۲۸

أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ
 به راه پروردگارت دعوت کن

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
 وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...
 با دانش استوار و اندرز نیکو
 و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است،
 مجادله نما

نحل، ۱۲۵

دو تجربه موفق

خوشبختانه، ما به عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربه بسیار موفق و زیبا را پشت سر داریم، دو تجربه‌ای که بار اصلی آن بر دوش استوار پدران و مادران ما، یعنی نوجوانان و جوانان دیروز بود: یکی برچیدن نظام شاهنشاهی، آفریدن انقلاب اسلامی و دیگری پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه، هم اعتقاد مردم جهان را درباره تأثیر ایمان به غیب در پیروزی‌های مادی و اثرات مثبت حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به نظام ستم پیشه جهانی آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و رسیدن به این ارزش‌ها را خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها قرار داد.

موقعیت کنونی و مسئولیت ما

اکنون در مرحله‌ای حساس از تاریخ سرزمین خود و جهان قرار داریم. در مسیر تکاملی این ملت، مسئولیت به ما منتقل شده است. پدران و مادران ما که آن تجربه‌های موفق را مدیریت کردند، منتظر و نگران تصمیم ما هستند تا ببینند در عصر جهانی شدن، نقش منحصر به فرد خود را چگونه به انجام خواهیم رساند و در جهت هدف بزرگی که در مقابل ماست، تا کجا پیش خواهیم رفت.

در آیات ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره بقره و ۵۶ سوره مائده بیندیشید و پیام‌هایی را که مربوط به موقعیت و مسئولیت ویژه ما مسلمانان در جهان است، استخراج کنید.

۱- جامعه واقعی اسلامی آن جامعه‌ای است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل و میانه زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد.



..... ۲-
 ۳-

برنامه ریزی

شاید در نگاهی ابتدایی به این هدف بزرگ (تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام) و مقایسه آنها با توان و قابلیت های موجود، کسانی باشند که چنین طرحی را یک بلندپروازی بیندارند و رسیدن به آن اهداف را دور از دسترس تلقی کنند. اما این یک تلقی ظاهری و سطحی نگر از توانمندی ذاتی انسان، مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک اندیش ما و ناشی از عدم آشنایی با آموزه های بیدارکننده و حیات بخش اسلام می باشد. البته می دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی ارتقا دهد و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد. علاوه بر این، کسی که آرمانی به این عظمت و بزرگی را برمیگزیند، هزینه آن را هم می پردازد و رنج ها و مشکلاتش را تحمل می کند. ما به این حقیقت معتقدیم که :

«حجم تحمل زحمت ها و رنج ها و فداکاری ها و جان نثاری ها و محرومیت ها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است.»^۱

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می کنیم. این برنامه ها را بررسی کنید و برای عمل کردن به آنها بکوشید.

حوزه اول: تقویت توانایی های فردی

اولین قدم آن است که هریک از ما خود را برای ایفای چنین نقش مهمی آماده کنیم و توانمندی لازم را به دست آوریم. برای رسیدن به این آمادگی، برنامه های زیر پیشنهاد می گردد :

۱- تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید: اجرای هر طرحی برای فردا، بدون آگاهی از موفقیت ها و دستاوردهای دیروز میسر نیست. گذشته، دربردارنده تجربه های فراوان است که عوامل پیروزی ها و شکست ها را به ما نشان می دهد و بصیرت و روشن بینی ما را بالا می برد. شناخت دنیای جدید نیز جهت درک درست واقعیت ها و انتخاب روش های مؤثر، ضروری و لازم است.

پس هریک از ما باید برنامه ای برای آشنایی دقیق با تمدن بزرگ اسلامی و شرایط جهانی که در آن زندگی می کنیم، تنظیم کنیم.

۲- تقویت ایمان و اراده: مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین، عزت نفس، توکل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و اراده قوی، و طهارت نفسانی است.

۱- وصیت نامه امام خمینی رحمه الله علیه



با تفکر در آیه ۱۲۸ اعراف به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:
 ۱- عاقبت نیک از آن چه کسانی است؟

۲- این عاقبت نیکو در چه صورتی به انسان می‌رسد؟

حوزه دوم: تحکیم بنیان خانواده

مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می‌شود که هم اکنون تمدن جدید بدان گرفتار شده است. بنابراین لازم است راه‌های حراست از بنیان خانواده را بیابیم و در جامعه تبلیغ کنیم.



* با دوستان و همکلاسی‌های خود مشورت کنید و راه‌های تقویت بنیان خانواده را پیدا نمایید. همچنین ببینید چه عواملی سبب سست شدن بنیان خانواده می‌گردد.

حوزه سوم: تقویت بنیان‌های جامعه

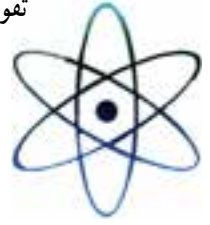
حضور فعال در جهان و تأثیرگذاری بر آن، با اقدامات فردی پراکنده میسر نیست. هریک از ما، علاوه بر خودسازی فردی و به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و استعداد‌های خود، لازم است بکوشد جامعه خود را به شاخص‌های تمدن متعالی اسلام نزدیک کند و به جامعه‌ای اسوه و نمونه برای دیگران تبدیل نماید. برای رسیدن به این هدف، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- همراه کردن دیگران با خود: در قدم اول شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه خود تبیین کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند.

مسئله هدف‌های سه‌گانه مطرح شده، از بزرگ‌ترین «خیرها» در جهان امروز می‌باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آنها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم.

۲- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی، پایه‌های استقلال یک ملت را

تقویت می کند و مانع تسلط بیگانگان می شود. هر یک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به کار بگیریم تا به مرتبه‌ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت‌ها را به سوی خود جلب کنیم.



مقام معظم رهبری در این باره این گونه تذکر می دهند: «باید علم را که مایه اقتدار ملی است، همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش و درون زاست. باید استعدادهای یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود.» پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم‌های اولیه‌ای است که باید با همت بلندتر و عزم قوی‌تر ادامه یابد و همه عرصه‌های دانش را بپیماید.

۳- استحکام بخشیدن به نظام اسلامی: استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به طور طبیعی منزوی می‌شود و همراه و همدلی در دنیا نمی‌یابد. پس شایسته است نظام اسلامی خود را به مرتبه‌ای از پیشرفت و تعالی برسانیم که ملت‌های دیگر به طور عینی و ملموس ثمره اندیشه‌ها و آرمان‌های ما را ببینند. استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه عدالت در همه ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.

۴- تقویت عزت نفس عمومی: ملتی که به توانایی خود ایمان و باور دارد و عبارت «ما می‌توانیم» را، نه صرفاً در لفظ، که در «عمل» بیان می‌کند، قله‌های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد. ایمان و باور به اینکه «ما می‌توانیم» زنده‌کننده تمدن اسلامی و بزرگ‌ترین نیروی محرکه، برای پیمودن راه و گذر از گردنه‌های سخت آن است. آن خودباوری که پیامبر گرامی اسلام در یاران اندک خود به وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا برای آزادی ستم‌دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام دنیا برنامه‌ریزی نماید.





صبح یکی از روزهایی که مسلمانان به حفر خندق در اطراف مدینه مشغول بودند، تا مانع ورود مشرکان مکه شوند و بتوانند با جمعیت اندک خود در مقابل آنها بایستند، به سنگ بزرگی برخوردند. شکستن و بیرون آوردن آن سنگ مشکل بود. گروهی از یاران پیامبر جمع شده بودند و تلاش می کردند با استفاده از ابزار آن روز و زور بازوی خود، سنگ را بشکنند و آن را بیرون آورند، اما موفقیتی به دست نیامد.

جابر بن عبدالله نزد پیامبر آمد و از ایشان کمک خواست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد آنان آمد، نگاهی به سنگ بزرگ انداخت، سپس به سوی آب رفت و وضو گرفت و جرعه ای از آن را نوشید. اعتماد و آرامش در رفتار وی تجلی داشت. با اطمینان کلنگ را در دست گرفت، آن را بالا برد و با بانگ تکبیر فرود آورد. آن چنان محکم کوبید که غرشی برخاست و جرعه ای چون شهاب از سنگ برآمد؛ با ضربه دوم، برق دیگری درخشید و با ضربه سوم، برق سوم. با این سه ضربه بیایی، سنگ سخت از هم پاشید و تکه تکه شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان خندق رو به یاران کرد و فرمود: «خدای متعال با برق نخستین، کشور یمن را برای من گشود و با برق دومین، شام و مغرب زمین را و با برق سوم مشرق زمین را برای من فتح کرد.» ایشان خودباوری و توکل به خداوند را این گونه در یاران خود تقویت می نمود.

حوزه چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

پیام اسلام، پیامی برای فطرت انسان هاست. هر انسان حقیقت طلب و روشن ضمیری که جویای حقیقت باشد، در مواجهه با این پیام، جذب آن می شود و تحت تأثیر قرار می گیرد. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش های درست برای انتقال این پیام است. به همین منظور، برنامه های زیر را پیشنهاد می کنیم:

۱- تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین: میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. از این رو حق را نمی توان با روش های نادرست به دیگران رساند. خداوند، در قرآن کریم روش های تبلیغی مناسب را به پیامبر گرامی اش آموزش داده است.



در آیه ۱۲۵ سوره نحل بیندیشید و روش‌هایی را که برای گفت و گو با مردم و رساندن پیام الهی پیشنهاد می‌کند، استخراج نمایید.

روش اول:

روش دوم:

روش سوم:

لازمه به کارگیری این روش‌ها، تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندانه در اسلام است؛ به طوری که بتوانیم معقول و خردمندانه از دین الهی دفاع کنیم و پاسخگوی پرسش‌های جویندگان حقیقت باشیم.

۲- استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام:

امروزه ابزارهای رساندن پیام بسیار متنوع و گسترده است. این ابزارها، به همان میزان که می‌توانند در استخدام حق قرار گیرند، می‌توانند حامل پیام‌های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند.



شبکه جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) بهترین شاهد این مدعا است. در این میدان، که شاید سخت‌ترین هم‌وردی حق و باطل در جریان است، مشاهده می‌کنید که چگونه باطل‌پیشگان به تمام اصول و موازین اخلاقی و انسانی حمله می‌کنند و هیچ حدّ و مرز اخلاقی را رعایت نمی‌نمایند.

* ۱- امروزه چه ابزارهایی برای رساندن پیام حق و گفت و گو با دیگر مردمان وجود

دارد که می‌توان از آنها کمک گرفت؟

۲- دشمنان حق چگونه از این ابزارها سوء استفاده می‌کنند؟ و راه مبارزه با آنها

چیست؟



۳- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر:

ما می‌دانیم که یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می‌شود و پذیرای حق و حقیقت و عدالت می‌باشند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق و حقیقت نمی‌روند،

بلکه سد راه حق جویی و حق پرستی می‌باشند و گسترش عدالت، منافع آنها را بر هم می‌زند و تا همه را تابع خط و مشی خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی‌گیرند.

امام خمینی - رحمه الله علیه - می‌فرماید :

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند^۱. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند.»^۲

بدین ترتیب، اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کرد، بلکه برای تحقق سخن حق باید قیام نمود و موانع حق و حق پرستی را در کل جهان زدود و این میسر نمی‌شود مگر با جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، که همان راه حق و حقیقت است و تحمل همه سختی‌های این راه.

امام خمینی «ره» در این باره در پیام براءت از مشرکین در حج سال

۱۳۶۶ فرمودند :



«... تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون‌بهای هزاران شهید و مجروح

و خراب شدن منزل‌ها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن

تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست

دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت

ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب،

به دست آورده و با فداکاری و مجاهدت، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است، و ما به تمام

جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه دفاع و مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین

چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز

شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷

... من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همهٔ دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگ تری که شهادت است می‌رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان گونه که در جنگ نیز، مظلومانه‌تر از انقلاب، جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیماندهٔ راه پر نشیب و فراز را با اتکاء به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خود عمل خواهیم کرد: یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی با ماست و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم...»^۱.

نمونهٔ بارز حق ستیزی و زورگویی در عرصه جهانی، اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی است. فجایع و ظلم‌هایی که امروزه در فلسطین رخ می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و تاکنون سازمان‌های بین‌المللی ده‌ها قطعنامه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی صادر کرده‌اند؛ اما آیا این قطعنامه‌ها توانسته‌اند در رویه‌های ظالمانهٔ این رژیم غاصب اندک تأثیری داشته باشد؟ آیا در مقابل یک جاه طلب قدرتمند می‌توان به مذاکره و نصیحت اکتفا کرد؟

* برخی می‌گویند راه حل معضل فلسطین را باید در پشت میزهای مذاکره و رایزنی‌های سیاسی جست و جو کرد و انتفاضهٔ مردم فلسطین تنها بر حجم مشکلات می‌افزاید. در گفت و گو با دوستان خود، این دیدگاه را نقد و بررسی کنید.



بنابراین، با شناخت دقیق فرصت‌ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، آگاه کنیم و با زنده کردن روحیهٔ جهاد و مبارزه، به تقویت جبههٔ عدالت خواهان بپردازیم. با اقتدا به امام خمینی - رحمة الله علیه - عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها را بدان‌ها یادآوری کنیم، روحیهٔ خودباختگی و ترس را از ملت‌ها بزداییم و آنها را به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول و عزتمند هدایت کنیم.



۱- زندگی و سخنان امام خمینی پر از روحیه حماسه و جهاد و شهادت طلبی است. جالب اینجاست که حتی در پیامی که هنگام قبول قطعنامه مربوط به تهاجم عراق به ایران صادر کرد، نه فقط بر تداوم روحیه جهاد، بلکه بر تداوم خود این جهاد مقدس علیه ظلم و ستم تأکید نمودند و بیان داشتند هدف ما نه فقط رفع فقر، بلکه محو هرگونه ظلم و کفر از کل جهان است:

«... آری، [مبارز] فلسطینی، راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه، چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوب دژیۀ فلسطین از شجرۀ مبارکۀ لاشرقیه و لا غربیه ما برافروخت و امروز همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، [فعالیت هایی] برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است...»

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استکبار و استضعاف و جنگ پابرهنگها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند می بوسم و سلام و درود خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال تثار می کنم؛ و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر کرده است و شرارۀ کینه انقلابی تان جهان خواران چپ و راست را به وحشت انداخته است ...

جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم ...

اذناب^۱ آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسأله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوئیم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شدند، تمامی این ها خیالات باطل ملی گراهاست و ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن

۱- اشاره به تعبیر «کوب دژی» در آیه ۳۵ سوره نور، که به معنای «ستارۀ درخشان» است.

۲- اذناب: بیرون

اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است، ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم؛ ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. ... جهان خواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنها توقع دارند که ما شکسته شدن نونها لان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم؛ و حال آنکه وظیفه اولیة ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنی که ای خواب‌رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ، منزل گرفته‌اید؛ برخیزید که این جا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم: سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست ...

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم، ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.^۱

۲- مسأله‌ای که امروزه اندیشمندان دلسوز را در جوامع غربی و شرقی به خود مشغول داشته و به فکر چاره‌اندیشی برای آن هستند، فضای محصور و طراحی شده‌ای است که آدم‌ها به ناچار و ناخودآگاه در آن زندگی می‌کنند و می‌پندارند آن‌گونه زندگی می‌کنند که خود می‌خواهند و می‌پندارند که نوع لباس، غذا، اتومبیل، آرایش، تفریح و گردش، کتاب، مجله و ده‌ها جزء دیگر از اجزای زندگی را کاملاً به سلیقه خود انتخاب می‌کنند.

این اندیشمندان دلسوز، که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، می‌گویند در دنیای کنونی، آزادی انتخاب سبک و شیوه زندگی، در هاله‌ای از ابهام و تردیدی جدی قرار گرفته است. گرچه به‌طور مثال، مد لباس، مدل اتومبیل و شکل آرایش بر کسی تحمیل نمی‌شود و انتشار صدها هزار روزنامه و مجله متنوع، نمادی از آزادی اندیشه است، اما اگر از این نگاه ظاهری بگذریم و ژرفای زندگی انسان امروز را بکاوییم، می‌بینیم که بر دست و پای عقل و خرد بسیاری از انسان‌ها، زنجیرهایی ضخیم بسته شده که میدان عمل آزاد و انتخاب‌گرانه آنها

را کاملاً محدود کرده است.

شاید برای اولین بار در تاریخ انسان باشد که نصف ثروت جهان در مالکیت فقط سیصد خانواده است و نصف دیگر آن، بین بیش از شش میلیارد جمعیت زمین، آن هم باز به صورت ناعادلانه توزیع می‌شود. از این رو کاملاً منطقی است که دستگاه‌های فرهنگ‌ساز جهان در انحصار کسانی باشد که نصف ثروت جهان را در مالکیت خود دارند و با پیچیده‌ترین روش‌های تبلیغاتی، فکر و قلب بسیاری از انسان‌ها را مسحور می‌کنند و برای آنها سلیقه‌آفرینی می‌نمایند. لحظه‌ای که یک ورزشکار محبوب با پوشیدن لباسی با طرحی جدید پشت صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود و هزاران نفر از مشتاقان خود را به طور غیرمستقیم به پوشیدن آن ترغیب می‌کند، روشن است که سود و منفعت مادی این کار به چه کسانی می‌رسد و ثروت چه گروهی را افزایش می‌دهد.

امروزه قدرت‌های تبلیغاتی، نیازآفرینی می‌کنند و مردم را به دنبال نیازهای کاذبی که آفریده‌اند، می‌کشانند. امروزه، با کمک تبلیغات، ذائقه‌سازی می‌کنند و سلیقه‌ها را شکل می‌دهند. در کنار شرکت‌های بزرگ تولیدی و تجاری، گروه‌های سلیقه‌ساز و ذوق‌آفرین در تدارک آفرینش مدهای جدید و تحمیل سلیقه‌های خود بر افرادند.

ممکن است گفته شود: مگر ارائه مد روز و سلیقه‌سازی کاری ناپسند است؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، این سلیقه‌سازی‌ها به خاطر خدمت به مردم نیست؛ بلکه با هدف فروش بیشتر کالای سرمایه‌داران بزرگ و جمع‌آوری ثروت مردم دنیاست.

ثانیاً، ایجاد تنوع طلبی کاذب در زندگی مادی و مشغول و سرگرم کردن مردم به این امور، فرصت فکر کردن در امور معنوی و اخلاقی را از آنها می‌گیرد و هویت و شخصیتشان را در حد تمایلات و لذت‌های مادی پایین می‌آورد. آری، این سلیقه‌ها و مدها، هدف‌های حقیری هستند که انتخاب آنها بر انسان امروز دیکته می‌شود. وقتی که زندگی از هدف‌های بزرگ و متعالی تهی می‌شود، برای پرکردن خلأ ناشی از بی‌هدفی، راهی جز ایجاد نیازهای کاذب و اهداف دروغین باقی نمی‌ماند.

به راستی، آیا این همه تنوع و رنگارنگی در لباس، غذا، آرایش، کالاهای صنعتی و خانگی پاسخی به نیازهای حقیقی ماست؟ آیا توجه و دل‌مشغولی روزانه مردم به این امور، آنان را از توجه به نیاز حقیقی باز نداشته است؟ آیا بسیاری از مردم دنیا، خویشتن حقیقی خود را فدای ثروت‌اندوزی جمعی اندک و ارضای خواهش‌های نفسانی آن عده نکرده‌اند؟

اگر حقیقت این است، پس چاره چیست؟

۳- تلاش ما برای احیا و بازسازی تمدن اسلامی و اصلاح وضع کنونی جهان، صرفاً یک وظیفه در کنار سایر وظایف و مسئولیت‌ها نیست؛ مجاهده و قیامی است برای یکی از قدیمی‌ترین و مقدس‌ترین آرمان‌ها و اهداف انبیای الهی، یعنی تشکیل جامعه عدل جهانی به رهبری موعود الهی، حضرت مهدی (عج).

شاید کسانی در یکی دو قرن گذشته می‌پنداشتند که بشریت به کمک علم و دانشی که به دست آورده است، بی‌نیاز از تعالیم خداوند، زندگی خود را به سوی بهروزی و سعادت سامان خواهد داد، اما اکنون، در ابتدای قرن بیست و یکم، روشن شده که چنین پنداری ساده‌اندیشانه بوده است. دیدیم که انسان امروز، با تمام پیشرفتی که در علم و فن‌آوری کرده و دستاورد فراوانی که در تسهیل شیوه زندگی به دست آورده، همچنان از رسیدن به بزرگ‌ترین آرزوهای خود بازمانده است. جامعه بشری، امروزه تشنه‌تر از هر زمان، به دنبال عدالت و مساوات است و از تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برد و بیش از هر زمان، از بی‌هدفی و بی‌آرمانی در اضطراب به سر می‌برد و در جست‌وجوی سعادت، خوش‌بختی واقعی و آرامش درونی است.

مسئولیت رساندن پیام‌های بخش اسلام، امروزه بر دوش ماست. فردای انسان‌ها، به آگاهی، ایمان، همت و عزم راسخ ما برای ایفای نقش منحصر به فرد خود در جهان امروز بستگی دارد. درحالی که جهان به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده و آدم‌ها در نزدیک‌ترین ارتباطات با یکدیگر قرار گرفته‌اند، تلاش ما برای رساندن پیام حق، به انسان‌های دیگر فرصت می‌دهد حقیقت را دریابند و امید به آینده پیدا کنند.

اینک که در انتهای آخرین درس به نام مقدس حضرت «مهدی» (عج)، موعود بزرگ پیامبران الهی رسیده‌ایم، خدا را سپاسگزاریم. در این پایان زیبا به امید دیدار دل‌انگیز و سُروآورش، ظهور حضرتش را از خداوند مسألت می‌نماییم و برای سلامتی ایشان این‌گونه دعا می‌کنیم:



اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ

خداوندا نسبت به ولی خودت،
حجة بن الحسن

صَلَوَاتِكَ عَلَيَّهِ وَعَلَىٰ اَبَائِهِ

— که درود تو بر او و بر پدرانش باد —

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

در این لحظه و در تمام لحظات

وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا

سرپرست و محافظ و رهبر و یاور

وَدَلِيًّا وَعَيْنًا

و راهنما و چشم بینا باش

حَتَّىٰ تُسْكِنَنَّهُ، اَرْضَكَ طَوْعًا

تا (حکومت) او را در سراسر زمین

خود با رغبت و پذیرش (مردمان)

استوار سازی

و تَمَتَّعَهُ، فِيهَا طَوِيلًا

و او را در روی زمین تا زمانی دراز

(از حکومت حق و عدل) برخوردار

گردانی

